فیش منبر

موضوع:

شرح دعای روز بیست و سوم

امتحانات قلبی



جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

شرح دعای روزهای رمضان‌المبارک

سی نغمه از رمضان

متن دعا:

«اللَّهُمَّ اغْسِلْنِی فِیهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْنِی فِیهِ مِنَ الْعُیُوبِ وَ امْتَحِنْ قَلْبِی فِیهِ بِتَقْوَی الْقُلُوبِ یَا مُقِیلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِینَ.»

ترجمه:

خدایا! مرا در این [ماه] از گناهان بشوی و از عیب‌ها پاکم نما، و دلم را در آن به تقوای دل‌ها آزمایش کن، ای پداورنده لغزش‌های گناهکاران.

شروع: داستان

آقایان چایچی و رضا بیگدلی نقل کردند که آیت‌الله مجتهدی فرمودند: «در ایام نوجوانی که به مدرسه می‌رفتم، در بین راه به فقرا کمک می‌کردم. یک روز که از مدرسه برمی‌گشتم، در بین راه پیرزنی را دیدم که مقداری اسباب‌وسایت در دست داشت. او از من خواهش کرد که به او کمک کنم و اثاثیه را به من داد و از جلوی من حرکت کرد تا به منزلی رسیدیم. سپس درب را باز کرد و وارد خانه شد؛ من نیز همراه او داخل شدم.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

ناگهان درب بسته شد و با چند دختر جوان روبرو شدم. آن‌ها گفتند: «شما به یوسف تبریزی مشهور هستید و ما از شما خواسته‌هایی داریم که اگر انجام ندهید، کوس رسوایی شما را خواهیم زد.»

ایشان می‌فرمودند: «یک لحظه تأمّل کردم و نگاهی به اطراف انداختم. ناگهان چشمم به پلّه‌هایی افتاد که به بام منتهی می‌شد. بلافاصله با سرعت به طرف پلّه دویدم و به پشت‌بام رفتم. آن‌ها هم به دنبال من به پشت‌بام آمدند. با این‌که ساختمان سه طبقه عظیمی بود و دیوارهای بلندی داشت، با گفتن «یا علی»، بی‌درنگ از پشت‌بام خود را به داخل باغی که جنبِ خانه قرار داشت، پرتاب کردم.

همین که در حال سقوط بودم، دو دست زیر پاهایم قرار گرفت و مرا به آرامی پایین آورد. ایشان می‌فرمودند: «از آن موقع تا الآن پاهایم را بر زمین نگذاشته‌ام و هنوز روی آن‌ها راه می‌روم.»»

(داستان معنوی، ص ۳۸۵)

اقناع اندیشه: توضیح و تبیین

انسان در این عالم دائماً در حال امتحان به سر می‌برد، با این تفاوت که نوع امتحان‌ها فرق می‌کند؛ یکی را امتحان می‌کنند تا جایی که می‌شود قوی‌ترین انسان‌ها، و دیگری را امتحان می‌کنند تا جایی که می‌شود

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

ضعیف‌ترین انسان‌ها. نوع سؤال فرق می‌کند؛ وگرنه سؤال، سؤال امتحانی است. یکی را مانند آیت‌الله مجتهدی «یوسف‌وار» امتحان می‌کنند و دیگری را با مال و دارایی‌اش.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (ع): «مَا بَلَا اللَّهُ الْعِبَادَ بِشَیْءٍ أَشَدَّ عَلَیْهِمْ مِنْ إِخْرَاجِ الدِّرْهَمِ.»

خداوند بندگان را با چیزی سخت‌تر از «درآوردن (بخشیدن) درهم» امتحان نکرد. (خصال، ج ۱، ص ۸)

اما تنها راه رهایی از تمام این امتحانات، داشتن «قلب با تقوا» است؛ لذا در دعای امروز می‌خوانیم:

«وَ امْتَحِنْ قَلْبِی فِیهِ بِتَقْوَی الْقُلُوبِ»

آنگونه که خدا در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِینَ یَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِکَ الَّذِینَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَی ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِیمٌ.»

(کسانی که صدایشان را در نزد پیامبر خدا فرو می‌برند، همان‌هایی هستند که خدا دل‌هایشان را به تقوا آزموده است؛ آن‌ها آمرزش و پاداشی بزرگ دارند.)

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

(سوره حجرات، آیه ۳)

امتحان را آن‌وقت به کار می‌برند که بخواهند وضعِ چیزی را که تاکنون برایشان مجهول بوده، معلوم کنند. و چون این معنا در مورد خداوند متعال محال است، ناگزیر باید امتحان را به معنای «محنت و مشقت دادن به دل» معنا کنیم و بگوییم: خداوند این مشقت‌ها را بر دل‌ها تحمیل می‌کند تا قلب‌ها به تقوا عادت کنند. (ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۴۶۲)

در این آیه نیز خداوند متعال کسانی را که صدایشان را در نزد رسول خدا بلند نمی‌کنند و ادبِ حضور داشته و داد و فریاد راه نمی‌اندازند، قلوبِ این افراد را «امتحان‌شده در راه تقوا» معرفی می‌نماید. و البته کسی که از این امتحان سربلند خارج گردد، مغفرت و اجر و پاداشی عظیم برایش خواهد بود.

پرورش احساس

«گر ترک نفس‌گیری و فرمان‌بری... / فرمان‌برد شود از سما جمله تا سَمَک»

«در این مسِ بدن، زر خالص نهاده حق / آن‌کس شناسد آن‌کس را که کند دل را محک»

(دیوان حاج ملاهادی سبزواری، ص ۸۱)

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

رفتارسازی

معلم در امتحان یکی را از اول کتاب، یکی را از وسط کتاب و یکی را از آخر کتاب امتحان می‌کند. اگر معلم بداند که شاگرد کجای کتاب را خوانده و کجا را نخوانده، از آن‌جا سؤال می‌کند که نخوانده است. خداوند هم در امتحانات چنین سوالاتی را خواهد داشت.

حضرت علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرمایند:

«وَكِنِّ اللهُ يُخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِمَا يَجْهَلُونَ»

(پاورقی: خطبه قاصعه)

خداوند بندگان خود را به چیزی امتحان می‌کند که نسبت به اصل آن غافل و جاهل هستند. خداوند وقتی ملائکه را امر به سجده بر آدم نمود، آنان را تعلیم نداده بود و نسبت به اصل و حقیقت آدم جاهل بودند؛ نه آن‌وقت که آدم را شناختند.

این‌که بعضی می‌گویند: «ما تا ندانیم چرا باید وضو بگیریم، یا چرا این‌گونه وضو بگیریم... وضو نمی‌گیریم یا این‌گونه وضو نمی‌گیریم»، خوب! اگر بدانند که دیگر از علم خود اطاعت کرده‌اند نه از خدا! مطیعِ معلومات خود گشته‌اند، نه مطیعِ فرمان خدا!

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

«النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا»

(نهج‌البلاغه، ص ۵۵۴)

مواظب باشیم با هر چه که نمی‌دانیم، دشمنی نکنیم. جهلِ ما دلیل بر باطل بودن آن موضوع نیست. اگر بخواهیم فقط از معلومات خود پیروی کنیم، خدای نکرده کارمان به جایی می‌رسد که مصداق این روایت شویم:

«إِنَّ مَنْ أَضَلَّهُ اللَّهُ وَأَعْمَى قَلْبَهُ اسْتَوْخَمَ الْحَقَّ وَلَمْ يَسْتَطْعِبْهُ وَ صَارَ الشَّيْطَانُ وَلِيَّهُ يُورِدُهُ مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ ثُمَّ لَا يُصْدِرُهُ.»

(الحجة، ج ۲، ص ۳۳۵)

حضرت أبو عبد اللّه (علیه‌السلام) فرمودند: «کسی را که خداوند ضلّ و گمراه گرداند و دل او را تاریک و دور از رحمت الهی سازد، أمر حق در نظر او بسیار ناپسند نماید و حق به گوارایش شیرین نخواهد بود و او اصلاً استعداد اطاعت ایزاد خالق ننماید و شیطان ولیّ آن ناکس گردد و او را در مقام هلاکت وارد گرداند و او را مصدر خیر نگرداند.»

روضه کوتاه

اما در آخر از باب: «هر که در این بزم مقرب‌تر است / جامِ بلا بیشتر شامد»؛ امامان ما بیشتر در بوته امتحان و امتحانات قرار می‌گرفتند.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

مخصوصاً اباعبدالله (علیه‌السلام) که نه تنها خود را، نه تنها برادرانش، نه تنها خواهر و همسرش، نه تنها فرزندانش، بلکه حتی کودک شیرخواره‌اش را هم برای این امتحان به مسلخ عشق ببرد؛ آن لحظاتی که تیر سه‌شعبه بر گلوی نازنین شش‌ماهه‌ی علی‌اصغر (ع) می‌خورد...

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.